

مبانی اجتماعی برنامه‌ریزی آموزشی با تأکید بر آموزه‌های اجتماعی نهج‌البلاغه

مریم قندهاری^۱

کارشناسی ارشد، علوم تربیتی، گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر

سیدمهدی میررسولی

کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، سطح ۳ حوزوی

چکیده

یکی از مهمترین و روشن‌ترین نتایجی که از مجموعه سخنان امام میتوان گرفت این است که زندگی اجتماعی یک امر ضروری برای انسانها میباشد و بدون آن قادر به استمرار حیات مادی و معنوی خود نخواهد بود. به بیان دیگر انسانها طبیعتاً موجودی اجتماعی هستند. یعنی با توجه به طبیعت آدمی ویژگیهای آن، انسان موجودی نیازمند اجتماع میباشد و در اجتماع است که همه استعدادهای او شکوفا می‌شود با توجه به همین ضرورت طبیعی است که انسان با اراده و رغبت، به زندگی اجتماعی روی می‌آورد و آن را جریانی بر خلاف مسیر تکاملی و خواسته‌های طبیعی اش نمیداند. امام طبیعی بودن زندگی اجتماعی را به شکلهای مختلفی مثل نیاز به دفاع از خود احتیاج طبیعی انسان به محبت، داشتن روابط عاطفی با آنها به ویژه با بستگان، میل طبیعی انسان به جنس مخالف و نیاز به ازدواج که فراتر از یک میل جنسی نازل میباشد، نیازهای فراوان انسان و ناتوانی او در برطرف کردن همه ی آنها و ... بیان نموده است. این نوع ضرورت که از نهج‌البلاغه استنباط میگردد برخاسته از طبیعت انسان و خصوصیات آن میباشد. با ضرورتی که بعضی از فلاسفه اجتماعی مثل هابز و دیگران برای زندگی قائل میشدند اختلاف جوهری وجود دارد. دلیل این اختلاف آن است که هابز و همفکرانش انسان را دارای طبیعت شرور و جنگ همه بر ضد همه میدانند. لذا از نظر آنها زندگی اجتماعی واقعیتی است که بر انسان و طبیعتش تحمیل شده است و با آن تناسب و سازگاری ندارد. با توجه به نهج‌البلاغه در بیان هدف و غایت اصلی جامعه اسلامی میتوان یکی از اهداف غایی تأسیس دولت را زمینه سازی و فراهم نمودن تدابیر برای تحقق صلاح و رشد همه جانبه مردمان و نابودی هرگونه فساد در دانست. وجوه مردم به این ترتیب لازم میشود که جامعه ی اسلامی همه تدابیر و امکانات لازم و در دسترس را برای تحقق این اهداف به کار گیرد و بدیهی است که تسلط بر نظام آموزش و پرورش و تأثیرگذاری کامل بر جریان تعلیم و تربیت از کارآمدترین این تدابیر خواهد بود.

واژگان کلیدی: تربیت، آموزش، برنامه ریزی، نهج‌البلاغه

^۱ نویسنده مسئول: business.b123456@gmail.com

آموزش به عنوان یکی از ابعاد در نظام کشورها و جوامع می باشد پس باید طوری طراحی شود که از یکسو افراد را برای ایفای نقش به عنوان یک عنصر فعال در جامعه یاری دهند و از سوی دیگر همگام با تغییرات اجتماعی به مسائل و مشکلات پیش روی فرد بپردازد و در عین حال که از جامعه تأثیر می پذیرد خود نیز عامل تغییر باشد به گونه ای که اگر در هر بخشی از جامعه از جمله بخشهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کمبودی باشد از طریق برنامه ریزی آموزشی این کمبودها بر طرف شود و این میسر نمیشود مگر اینکه بین مدرسه و دانشگاه با جامعه ارتباط تعاملی و متقابل باشد.

برنامه ریزی آموزشی مانند سایر رشته های علوم تربیتی در مبانی فلسفی، اجتماعی، حقوقی، روانشناسی و ... ریشه دارد. شرط تدوین برنامه ریزی آموزشی کارآمد در یک جامعه آن است که بتوانیم متناسب با آن راه، با رویکرد بومی مشخص کنیم تا نتایج و پیامدهای برنامه ریزی آموزشی پاسخ گوی سؤالات و ضرورتها و نیازهای جامعه باشد. نظر به اینکه در شرایط کنونی به بومی سازی علوم انسانی در علوم تربیتی تأکید میشود و سخنان امام علی(ع) در نهج البلاغه در خصوص ابعاد مختلف حیات اجتماعی که نوعاً با برنامه ریزی آموزشی در ارتباط هستند اطلاعاتی به دست آوریم و بر مبنای آن اطلاعات دلالتیابی مشخص برای برنامه ریزی آموزشی ارائه دهیم.

شناخت نظام اجتماعی از طریق کنکاش در دیدگاههای امام علی(ع) به معنای الگوگیری مستقیم از روشهای الهی، دانشها و مهارتها رفتارهایی است که انسان را به بندگی در مقابل خداوند و تنظیم روابطی مبتنی بر معیارهای الهی بکشاند که با فطرت انسان سازگاری داشته باشد و به معنای سازگاری با ارزشهای حاکم بر یک جامعه نمی باشد. پس کنکاش عمیق و گسترده ای در حوزه ی مبانی اجتماعی بر مبنای آموزه های اجتماعی نهج البلاغه امام علی(ع) لازم است تا به هدف مورد ذکر دست یابیم از طرفی بابد به این نکته بپردازیم که اجتماعی بودن به منزله یکی از مسائل مهم تعلیم و تربیت تلقی میشود. لذا اجتماعی بودن از آن جهت یک مسئله تلقی شود که تکلیف یک جامعه به طور مستقیم با آن در ارتباط است. گذشته جامعه از این جهت با آن در پیوند است که نحوه ارتباط نسل جدید با سنت و فرهنگ بر حسب تصور ما از اجتماعی بودن، تعیین می گردد.

فرد در برنامه ریزی آموزشی با تأکید بر آموزه های اجتماعی نهج البلاغه چه مسئولیتهای اجتماعی به عهده دارد؟

مصادیق مسئولیتهای اجتماعی در نهج البلاغه

هر یک از مسلمانان به عنوان عضوی از پیکر جامعه ی اسلامی نسبت به مسائل اجتماعی موجود بی تفاوت نبوده، احساس مسئولیت میکنند و این همان چیزی است که در فرهنگ اسلام و نیز سیره ی حضرت امیر مؤکداً مورد سفارش میباشد امر به معروف و نهی از منکر جهل، زدایی حرمت، انسان، فقرزدایی فضایل اخلاقی از جمله مصادیق بارز مسئولیت اجتماعی است که پرداختن به آن به عنوان یکی از مهمترین وظایف اجتماعی افراد به حساب می آید و نشانه ی ایمان تلقی شده و موجب هدایت و رستگاری خواهد گردید و در مقابل، شانه خالی کردن از انجام این مهم بدیها را بر انسان مستولی، گردانیده روی گردانی خداوند نسبت به بنده را در پی خواهد داشت. حضرت علی(ع) در فرمایشات خود ترک کنندگان به امر به معروف و نهی از منکر را مورد نکوهش قرار میدهند و از کسانی که در امور مسلمین از خود سلب مسئولیت می کنند انتقاد میکنند: «همانا شما برادران دینی یکدیگرید، نه یکدیگر را یاری میدهید نه خیرخواه یکدیگرید و نه چیزی به هم میبخشید و نه به یکدیگر دوستی می کنی (نهج البلاغه خطبه ۱۳) در راستای همین امر مهم کودک امروز باید به گونه ای تربیت شود که آمادگی فهم و پذیرش مسئولیت اجتماعی در وی به وجود آید بیاموزد که برای آینده فردی بشردوست و خدمتگذار برای جامعه ی اسلامی و در طریق خیر و فضیلت انسانی باشد بیاموزد که در زندگی اجتماعی نباید تنها به سلامت خود خرسند باشد بلکه رنج و محنت هموعانش نیز درد و محنت وی است و نهایتاً اینکه بیاموزد که نه فقط در مقابل بندگان خدا بلکه در

قبال، شهرها خانها و حتی حیوانات نیز مسئولیت دارد. وظیفه ی معلم پرورش جنبه یا جنبه هایی از شخصیت دانش آموز است که مربوط به زندگی او در جامعه است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق و وظایف و مسئولیتهای خود را نسبت به دیگر هم نوعان و هم کیشان و هم مسلکان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق، برای عمل به آن وظایف و مسئولیتهای قیام کند و به تعبیری دیگر می تواند او را برای آشنا ساختن با روحيات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی با دیگران و سپس پرورش روحیه تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش دانست.

از دیدگاه امام علی (ع) مسلمانان در جامعه ی اسلامی با هم برابر بوده و میان آنها حقوق و تکالیفی وجود دارد. هر حقی تو به گردن برادرت داری و او هم بر گردن تو دارد حرانی، (۱۳۵۴، ص ۹۲). بنابراین افراد در جامعه ی اسلامی به عنوان عضوی از جامعه بزرگ اسلام نمیتوانند نسبت به اوضاع جامعه بی تفاوت باشند. آنها نباید از کجرویها و انحرافات که احیاناً از جانب دیگر اعضای جامعه مشاهده می کنند، بی تفاوت بگذرند، بلکه تا حد امکان و مطابق با وظایف خویش باید در جهت نفعی و زدودن این انحرافات بکوشند و در همین راستاست که در اسلام تأکید زیادی بر امر به معروف و نهی از منکر و احقاق حق و مقابله با ظالم و امور اجتماعی دیگر صورت گرفته است و لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ باید که از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند اینان رستگارانند» (آل عمران، ۱۰۴). مصادیق مسئولیتهای اجتماعی شامل مودت حرمت، انسان امر به معروف و نهی از منکر جهل زدایی فقر زدایی و تأکید بر فضایل اخلاقی میباشد که در این قسمت آمده است.

یکی از عوامل مهمی که در ارتباطات اجتماعی تأثیر میگذارد اعتقادات و گرایشهای آدمی است. انسان مؤمن به تناسب نیازها و گرایشهای مختص خود با کسانی که بتوانند این جنبه از نیازهای او را پاسخ گفته نهال گرایش وی را بارور نمایند ارتباط برقرار می کند. مسلماً چنین افرادی باید در کانون تقوای الهی قرار گرفته باشند تا توانایی ایجاد و تحکیم ارتباط با دیگران را داشته باشند بنابراین مسلک و دیدگاه واحد شرط اساسی در ایجاد و تقویت ارتباط با دیگران و تداوم آن است.

مودت

محبت و مودت یکی از اصول مهم در عرصه تعلیم و تربیت است که لازم است افراد در روابط اجتماعی خود با دیگران آن را سرلوحه کار خویش قرار دهند کودکان و نوجوانانی که در محیط آکنده از مهر و محبت تربیت میشوند و در مسیر تربیت خویش از چشمه زلال محبت و محبت سیراب میگردند میتوانند در کانون مهر و محبت برای دیگران واقع شوند. بدیهی است چنان که افراد یک جامعه دلسوز باشند، همه نسبت به یکدیگر غمخوار و با عاطفه میشوند، در نتیجه هر کس در حالی که خود دل رحم و رؤوف است مورد لطف و مهربانی دیگران نیز واقع میشود و مهرورزی به دیگران خود سرچشمه ی بسیاری از فضایل دیگر همچون نیکوکاری، همدردی، ایثار و ... است که از جمله ضروریات زندگی اجتماعی محسوب میشود.

از طرفی دوستی و دوست یابی حقیقتی است که فطرت و طبیعت همه ی انسانها نسبت به آن کشش دارد و این کشش فطری به خاطر این است که خداوند انسان را مدنی الطبع و اجتماعی آفریده است و تأمین بخشی از نیازهای مادی و معنوی او را به عهده ی دیگران قرار داده است انصاریان (۱۳۸۳). آن حضرت همواره مدیران و کارگزاران خویش را به پیوند و برقراری روابط نیکو با مردم به ویژه با پرهیزگاران و راستگویان سفارش میفرمود (نامه ۵۰، بند ۱، ص ۴۰۱). و همچنان که امام حسن (ع) را به برقراری پیوند دوستی با دوستان و مهربانی و بخشندگی نسبت به آنها توصیه میفرماید چون برادرت از تو جدا گردد تو پیوند دوستی را برقرار کن و اگر روی برگرداند تو مهربانی کن نهج البلاغه نامه، ۳۱ بند ۹۸، ص ۳۸۱

با مطالعه در سیره تربیتی امام علی (ع) به خوبی آشکار میگردد که حضرت با معاشرت و برخورد محبت آمیز با مردم عنایت ویژه ای داشتند و در این زمینه به اصول و عقایدی معتقد بودند که اگر افراد در همه ی زمینه های دوستی و معاشرت به آنها پایبند باشند همای سعاده و خوشبختی را در آغوش خواهند گرفت.

با توجه به آنچه ذکر شد تقویت جوانب الهی منوط به رعایت معیارهایی است که سبب نزدیکی انسانها به هم میشود این معیارها در خصوص ارتباط مؤمنین با یکدیگر ایمان و تقوای الهی است. بحث از اهداف تربیتی و آموزشی در حیطه ی ارتباط با یک فرد مؤمن با یکدیگر هم مسلکانش ناظر بر ایجاد و پرورش روحیه ی اخوت و همیاری بین افراد در جهت هدف غایی یعنی قرب الهی است. چه بسیاری از افرادی که با یکدیگر هم دل و همراه اند و حتی قوانین اخوت و برادری را رعایت میکنند اما در جهت فساد و ظلم و در مسیر غلط. بنابراین آنچه در این بحث مورد توجه است اخوت و برادری جهت یافته و مودت و محبت برای رسیدن به هدف برتر یعنی قرب الهی است که مأوریت مهم مربیان آموزشی است.

۱. مودت اخوت و همیاری در صورتی از استحکام برخوردار است که مبنای مستحکم و ثابتی داشته باشد و این امر بدون توجه به عالمی برتر و گذشت از نیازهای مقطعی امکان پذیر نیست.

۲. با توجه به آنچه که درباره عامل پیونددهنده مؤمنین به یکدیگر بیان شد ایجاد فضای مناسب برای ارتباط بین آنها منوط به انجام وظایف دینی و کسب تقوای الهی است در این صورت زمینه لازم برای پرورش روحیه ی مودت و محبت فراهم می.شود به طور کلی تثبیت اخوت در جامعه به دو عامل بستگی دارد ۱. فراهم کردن زمینه ایجاد اخوت و برادری ۲ عمل به وظایف و مسئولیتها در قبال یکدیگر

۱- عامل اول یعنی ایجاد زمینه و بستر مناسب برای ایجاد اخوت دینی و همدلی در سایه ی شریعت در صورتی حاصل میشود که افراد جامعه وظایف محول از سوی شرع را انجام دهند در این صورت زمینه برای کاشت نهال محبت و اخوت فراهم می.شود نیاز پیوستن به دیگر هم مسلکان و کسب قدرت و وجاهت در پناه آنها در مرحله ای از رشد فردی حاصل میشود که انسان به وظایف خود در برابر مسلک و دینش عمل نماید و صلاحیت گرویدن به گروه و یک صدا شدن با اعضا را پیدا کند آنچه در نزد امام علی(ع) سبب نزدیکی انسانها به یکدیگر و ایجاد ارتباط بین آنها میشود توجه به خدا و انجام اوامر اوست.

عامل دوم. انجام اعمال و رفتاری است که در استحکام هر چه بیشتر پیوند اخوت مؤثرند. وظیفه ی تک تک افراد حفظ این پیوند از آفات و درک احساسات و عوامل یکدیگر است آنچه برای ما مهم است این است که ما صرفاً در سایه ی همان عاملی که باعث ایجاد پیوند میشود یعنی اسلام و ایمان به خدا و انجام وظایف شرعی، می توانیم یکدیگر را درک کنیم آدمی مشارکت با دیگران را دوست دارد اعم از اینکه منشأ جامعه پذیری و اجتماعی بودن را ذاتی بدانیم یا رفع نیازهای روانی و مشکلات مادی و بهترین سن و موقعیتی که افراد به خوبی میتوانند جامعه پذیر و مسئولیت پذیر شوند در دوران مدرسه است چرا که در این سن ذهن دانش آموزان خالی از دغدغه های زندگی است و کمتر به چالش کشیده میشوند به شرطی که مربیان به خوبی آنها را تربیت کنند. لذا بحث ما این است که اهداف آموزشی حاکم بر این ارتباط چیست و فرد مؤمن در مواجهه با دیگر انسانهایی که هم مسلک او نیستند چه واکنشهایی از خود بروز میدهند. آنچه در حوزه ی اسلام و در تعلیم و تربیت ما باید به افراد آموزش دهیم این است که با انسان چون یک انسان است برخورد محترمانه شود از نظر اسلام انسان دارای احترام و دارای جایگاهی رفیع در بین سایر مخلوقات است. کرامت و شرافت بنی آدم که در فرمان اعجاب انگیز خدا به ملائکه مبنی بر سجود در برابر او و اعتراف به ارزشهای نهفته در وجود وی یعنی عقل و شعور و علم و دانش تجلی یافت، برترین افتخاری است که از جانب خدا نصیب این موجود زمینی گشته است.

حرمت انسان

در دین اسلام عدم حفظ حرمت انسان مصداق بارز شر است و سبب دور شدن از رحمت الهی میگردد. کما اینکه شیطان به سبب خودداری کبر مدارانه از اعتراف به شرافت آدمی از حرمت بی همتای خداوند محروم گشت. با توجه به مقام والای انسان در منطق اسلام و نهج البلاغه و ارزشهای انسان شناختی این مکتب به این نتیجه میرسیم که مهمترین رکن در نحوه ی

ارتباط با دیگر انسانها مشمول دو اصل و قانون کلی است الف احترام به ممنوع احترام به انسان به عنوان اینکه انسان است ریشه دینی دارد. در واقع چنانکه بخواهیم تفسیری نسبتاً ظاهری برای خروج از رحمت الهی به واسطه ی عدم حرمت انسان به دست دهیم به این نتیجه میرسیم که فروگذاری حق، دیگران منجر به تعرض انسانها به یکدیگر و دوری از انسانیت و سرسپاری به هواهای نفسانی میشود و جامعه را در معرض خطا قرار میدهد حوزه و دانشگاه (۱۳۸۹) به عنوان مثال حضرت احترام گذاشتن آداب رسوم مردم را بسیار مهم میدانند و میفرمایند: «مُقَارَبَةُ النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ أَمِّنٌ مِنْ عَوَائِلِهِمْ؛ هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم ایمن ماندن از دشمنی و کینههای آنان است نهج البلاغه، حکمت، (۴۰۱) و در جایی دیگر میفرمایند خویشاوندان را گرامی بدار زیرا آنان پرو بال تو میباشند که با آنان پرواز می کنی و ریشه ی تو هستند که به آنها باز میگردی و دست نیاز تو میباشند که با آن حمله می کنی» (نهج البلاغه نامه، ۳۱).

پرهیز از تمسخر دیگران و به طور کلی عواملی که منجر به کاهش احترام در جامعه در محیطهای اجتماعی در مدارس و دانشگاهها و ... میشود باید به عنوان یک هدف مهم در نظام آموزشی ما و نظام تعلیم و تربیت قرار می گیرد. به خصوص در کشور ما که یک کشور کاملاً اسلامی است و موازین اخلاقی و تربیتی آن باید بر اساس شرع اسلام پی ریزی شوند این امر را بیشتر مورد تأکید قرار میدهد.

ب رعایت عدالت به معنای رعایت حقوق دیگران نیز هم چون احترام قبل از اینکه ریشه ی دینی داشته باشد ریشه ی انسانی دارد و نقش دین بارور کردن است در بینش دینی انسان در خور احترام و اکرام و نیازمند ارتباطی عادلانه و اصولی چون برابری و عدالت است که برگرفته از بنیانهای وجودی اوست امت اسلامی یک امت متعادل و به تعبیر قرآن امت وسط است و این امر به معنای قرار گرفتن تک انسانها در حوزه ی عدالت و دوری از کینه توزی و انتقام با تکیه بر تقوای الهی است ما با اخلاق نیکو و اعتدال سیرت و رعایت عدالت و تقوا میتوانیم جایگاه خود یعنی امت وسط بودن را حفظ نماییم یعنی نه افراط کنیم و نه تفریط کنیم. بنابراین عدالت به عنوان یک اصل مهم در نظام تربیتی ما باید در صحنه ی ارتباط ما با دیگر انسانها نقشی بی بدیل در رشد جوامع بشری ایفا کند حوزه و دانشگاه (۱۳۸۹).

حضرت علی(ع) که خود تجسم قسط و عدالت بوده است و در تمام زمینه ها و در کردار و گفتار خویش راه عدالت را نشان داده و پیروان و راهبان راهش را به انجام آن توصیه نموده است حکمت ۴۷۶، ۴۳۷، ۴۷۰. در منظر امام علی(ع) عدالت در راس اموری قرار دارد که بستر تربیت مردمان را فراهم می. کند برپایی مردمان و سیر آنان به سوی کمال انسانی تحقق نمی یابد و فارغ از اهتمام برای عدالت و تدارک، آن تربیت حقیقی حاصل نمیشود(دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸)

اسلام نیز به عدالت نه به عنوان یک صفت اخلاقی فردی بلکه به عنوان اصلی راهبردی مینگرد که باید به صورت ملکه ای جاوید در جان مؤمنان راسخ شود و در سراسر زندگی فردی و اجتماعی آنان جریان یابد و این مهم جز در سایه ی تربیت صحیح اجتماعی حاصل نمی گردد نظام آموزشی و تربیتی که بر مبنای آن انسانی عادل شکل بگیرد که در برخوردهای اجتماعی و در رفتار با دیگران به خوبی انجام دهد با هر فردی رفتاری در خور او داشته باشد و حق دیگران را ادا نماید و زمانی که تمام افراد اجتماع به صفت عدالت آراسته شده و در گفتارشان و رفتارشان به آن پایبند باشند جامعه روی سعادت و آرامش را خواهد دید.

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه هم به صورت انگیزه فردی در می آید و هم آثار اجتماعی دارد. فرد خود درصدد کنترل اعمال خویش بر می. آید علاوه بر این پیش از اینکه دیگران به فرد تذکر دهند، او خود به اصلاح وضع خویش اقدام می. کند روی این زمینه فرد در مورد رفتار خود شخصاً احساس مسئولیت میکند و پیش از آنکه دیگران او را بازخواست کنند خود در صدد بازخواست خویش بر میآید (ملکی تبریزی، ۱۳۷۷).

امر و نهی دینی گل سر سبد احکام خداوند است که دینداری مردم به وجود آن شکل می گیرد. خداوند این دو اصل تابنده را در حدود ده آیه از آیات قرآن کریم مورد توجه جدی قرار داده است و انجام آن را از ویژگیهای اهل ایمان به شمار آورده است «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ باید که از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. اینان رستگارانند آل عمران (۱۰۴)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَرْدَانِ مُؤْمِنٌ وَزَنَانِ مُؤْمِنٌ دُوسْتَانِ يَكْدِيغِرِنْدِ بِه نِيكِي فِرْمَانِ مِيدَهِنْدِ وَ اَز نَاشَايِسْتِ بَاز مِيدَارِنْدِ»(توبه (۷۱) امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین ابعاد و مصادیق مسئولیت اجتماعی است که مسئولیت افراد را نسبت به دیگران جامعه و باورهای فرهنگی و تمدنی و دینی و اعتقادی مطرح می کند. امر به معروف و نهی از منکر دارای سه مرتبهی اظهار تنفر، قلب امر و نهی زبانی و اعمال قدرت است. امر به معروف زبانی مهمترین بخش امر به معروف و نهی از است که به عنوان یک وظیفه ی همانی برای اصلاح و آگاهی بندگان خدا تشریح گردیده است. امام علی(ع) می فرمایند:

«وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَفَفْتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَقْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ، وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ، وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛ تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر بمعروف و نهی از منکر همچون قطره ای است در مقابل یک دریای پهناور بدانید امر بمعروف و نهی از منکر نه مرگ کسی را نزدیک میکند و نه از روزی کسی میکاهد و اما از همه اینها مهمتر سخنی است که برای دفاع از عدالت در برابر پیشوای ستمگری گفته میشود (نهج البلاغه حکمت ۳۷۴، بند ۳، ص ۳۱۵)

امیرالمؤمنین به کرات ارزش و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را یادآور شده و آن را به عنوان یکی از وظایف اجتماعی افراد در جامعه مورد تأکید قرار میدهند و مسلمانان را در پرداختن به این وظیفه ی مهم اجتماعی توصیه نموده است و از کسانی که در انجام این امر خطیر کوتاهی میکنند به بدی یاد کرده است آن حضرت در نامه ۴۷ در وصیت به فرزندان خود از همگان میخواهد که امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنند تا بدیها بر آنها مسلط نگردد. وی ترک این وظیفه ی مهم را باعث روی گردانی خداوند نسبت به بندگان میدانند: «خداوند سبحان مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر». امام علی نیز در خطبه ۲۱۶ یکی از واجبات الهی را یاری دادن به یکدیگر میدانند که جزء حقوق اجتماعی مسلمانان به حساب می آید. وی در واقعه ی حمله ی لشکر شام به شهر انبار و غارت اموال زنان مسلمان و غیر مسلمان این گونه از بی تفاوتی اهالی کوفه ابراز تاسف میکند که اگر برای این حادثه تلخ مسلمانی از روی تدلسف بمیرد ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است. نتیجه این که انسان مؤمن نباید تنها به سلامت خود خرسند باشد بلکه میبایست نسبت به محیط زندگی جامعه ی خود احساس مسئولیت کند و برای احقاق حق مظلوم و مقابله با ظالم به مبارزه بر خیزد و برای زندگی معنوی و اخروی جامعه نیز تلاش کند بنابراین از اهداف مهم نظام آموزشی و تربیتی جامعه ی اسلامی، پرورش شاگردانی است که به عنوان عضوی از جامعه دغدغه و حساسیت نسبت به امور مسلمین آنها را از لاقیدی منع کرده است. شکی نیست که در این که چنین کسی خود را قویاً ملتزم و متعد به وظایف و تعهدات اجتماعی خویش خواهد دانست و خود را با معیارهای بهترین عضو برای جامعه هماهنگ خواهد کرد. البته امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفائیه است یعنی در صورتی که مکلفان وظیفه ی خود را انجام ندهند باید آنها را امر به معروف کرد پس ابتدا دولت در اینباره وظیفه ای ندارد و باید خانواده ها و افراد را برای تعلیم و تربیت، آزاد گذاشته تا وظایف خود را مستقیماً انجام دهند و تنها در مواردی که که کاستی و خللی به وجود آید دولت مجاز به دخالت میباشد.

جهل زدایی

یکی از مهمترین مسئولیتهای اجتماعی قیام بر علیه جهل و بی خبری است چرا که اجتماع همانند پیکر واحدی است که که جهل و بی خبری عده ای از افراد آن تأثیر مخربی بر کل جامعه خواهد گذاشت. لذا وظیفه ی افراد عالم و آگاه جامعه این است که دیگران را از جهل و بیخبری نجات دهند و از بذل علم خود به افراد شایسته بخل نوزندند. بی تردید نقش عالم در جامعه، نقش کلیدی و محوری است. زیرا او با دانشی که اندوخته است، هم از اعتبار اجتماعی برخوردار است و هم از توانمندیهای ویژه بهره مند است از این رو او افزون بر مسئولیتهای یک شهروند که همگان دارند مسئولیتهای دیگری نیز دارد ضرورت نشر علم و مبارزه جدی با جهل و نادانی از جمله ی این مسئولیتهاست امام علی(ع) در اشاره به رسالت عالمان فرمود خدا از مردم نادان پیمان نگرفت که بیاموزند تا مگر از دانایان عهد گرفت که به دیگران تعلیم دهند (نهج البلاغه حکمت ۴۷۰)

از دیگران مسئولیتهای دانشمندان برخوردار قاطع با ستمگری و ستمگران در جامعه است. امام علی(ع) در بایستگی مبارزه ی عالمان با ستمگری میفرماید: «خداوند» از دانشمندان پیمان گرفته است تا در برابر شکم پارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان آرام نگیرند نهج البلاغه، خطبه ی (۳). این سخن امام هشدار می دهد که به همی اندیشمندان و علمای امتها که وقتی امکانات تشکیل حکومت و اجرای عدل و قسط فراهم گردد سکوتشان مسئولیت آفرین است باید قیام کنند و برای بسط عدالت و اجرای فرمان خدا مبارزه با ظالمان را شروع نمایند مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۳۷۵). امام در این فراز دلایل پذیرش بیعت را به وضوح بیان میکند و اهداف خود را از پذیرش در جمله های کوتاه بسیار پر معنا شرح میدهد و در ضمن روشن میسازد که اگر این اهداف بزرگ بود کمترین ارزشی برای زمامداری بر مردم قایل نبود.

فقر زدایی

یکی دیگر از مسئولیتهای اجتماعی این است که از حال یکدیگر با خبر باشند و به یکدیگر کمک کنند. در جامعه اسلامی نباید فقر و اختلاف طبقاتی وجود داشته باشد به همین دلیل در نظام اقتصادی اسلام علاوه بر این که مالکیت خصوصی افراد محترم شمرده شده است اما برای محدود کردن آن قوانینی مانند خمس، زکات و ... در نظر گرفته شده است که منجر به توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از انباشت آن در دست عده ای خاص میشود. لذا همگی ما مسئولیم تا با بهره گیری از تعالیم وحی این معضل اجتماعی را ریشه کن کنیم. پرهیز از احتکار، ربا رشوه و احتکار و ... و صدقات مستحب از جمله ی این مسئولیتهاست چنانکه در انجام این مسئولیتهای کوتاهی شود هر لحظه بر فشار جنبه ی فقر که همواره گلوی تهیدستان را در میفشارد افزوده میشود. امام علی(ع) در اشاره به مسئولیت توتنگران میفرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصِمُهُم بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ، فَيَقْرَهُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَّلُوها، فَإِذَا مَنَعُوها نَزَعَهَا مِنْهُمْ، ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ؛ خداوند بندگانی دارد که نعمتهای خاصی به آنها بخشیده تا دیگر بندگان از آن بهره گیرند بهمین جهت مادام که از این نعمتها بذل میکنند خدا آنها را در دستشان ثابت میدارد اما هنگامی که بخل ورزند از آنها میگیرد و به دیگران میدهد نهج البلاغه حکمت ۴۲۵، ص ۴۱۷). سزاوار است تمام ثروتمندان مسلمان امام علی (ع) را به عنوان الگوی خود قرار دهند امام علی(ع) خود در جایی دیگر میفرماید: «اگر میخواستم میتوانستم از عسل مصفا و مغز این، گندم و بافتهای این ابریشم برای خود خوراک و لباس تهیه کنم اما هیئات که هوا و هوس بر من غلبه کند و حرص و طمع مرا وادار کند تا طعامهای لذیذ را برگزینم در حالیکه ممکن است در سرزمین حجاز» یا یمامه کسی باشد که حتی امید بدست آوردن یک قرص نان نداشته باشد و نه هرگز شکمی سیرخورده، باشد آیا من با شکمی سیر بخوابم در حالیکه در اطرافم شکمهای گرسنه و کبدهای سوزانی باشند؟ و آیا آنچنان باشم که آن شاعر گفته است این درد تو را بس که شب با شکم سیر، بخوابی در حالیکه در اطراف توشکمهای گرسنه و به پشت چسبیده باشند» (نامه، ۴۵)

امروزه نقش رایگان و اجباری آموزش عمومی در فقر محرومیت جامعه اقشار ستمدیده و طبقات محروم جامعه و امکان رشد همسالان و عادلانه فرزندان همه اقشار مردم اعم از فقیر و غنی و شهری و روستایی ناظر بر همین امر است.

تأکید بر فضایل اخلاقی

فضایل اخلاقی، شامل تقوا صلهی، رحم عیب پوشی، امانت، داری، قناعت، زهد عزت نفس وفای به عهد و پیمان حسن خلق و ... میباشد که باید در رفتار نمود پیدا کند وفای به عهد که یکی از مسئولیتهای مهم اجتماعی شده است. چرا که بدون آن هیچگونه همکاری اجتماعی میسر نیست و پیمان شکنی سبب سلب اعتماد. عمومی موجب پراکندگی اجزاء جامعه از هم خواهد شد که این امر ضررهای جبران ناپذیری بر پیکر اجتماع، وارد می آورد. برخورد نیکو با دیگران انس و الفت را بین افراد، جامعه افزایش داده و موجب میشود افراد در فعالیتهای اجتماعی تعالی بیشتری با یکدیگر داشته باشند و این اتحاد خیرات و برکات زیادی را برای فرد و جامعه به دنبال دارد و جامعه را به سوی کسب فضایل، سوق میدهد. حضرت علی (ع) به دو فرزند نازنینش چنین سفارش کرده است اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم من شما دو نفر را به دو امر مهم توصیه میکنم؛ تقوای الهی و نظم و برنامه ریزی در امور زندگی». مخاطب آن حضرت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) میباشد اما مخاطب عام، امام تمام شیعیان و مسلمین جهان است. به راستی که انسان میتواند در زندگی مادی و معنوی و علمی خویش راههای رسیدن به قله ی پیروزی را فتح کند که به این دو فضیلت اخلاقی مجهز باشد یعنی در تتمم عرصه های زندگی هم متقی و پارسا و هم منظم باشد.

خداوند استعدادهای مختلف و شگفت انگیز و بالقوه را در درون انسان به ودیعه گذاشته است. اما رسالت شکفتن استعدادها و تبدیل استعدادهای بالقوه به بالفعل را به عهده ی خود او گذاشته است البته برکت خداوند به دنبال حرکت انسان نازل میگردد تا انسان حرکت نکند برکت خداوند نصیب وی نمیگردد. لذا اگر شاگرد مدرسه و مکتبی، اسیر شهوت و غضب باشد و نیز از تصمیم و برنامه ریزی لازم برخوردار نباشد بدون تردید در امتحان ماهانه یا سالانه رفوزه خواهد شد اگر مدیر مکتبی از تقوا و نظم کافی برخوردار نباشد فساد اخلاقی و بی نظمی در بین دانش آموزان آن مکتبترویج خواهد یافت. فضایل اخلاقی و به تبع آن اخلاق نیکو در نزد حضرت به منزله ی برترین هم نشین و بالاترین حسب برای انسان است. لذا اگر روح و بدن انسان به صفات نیکو متصف گردد در عذاب و شقاوت مخلد خواهد بود. آنچه اکنون گفتیم اشاره ای مختصر بود به وظیفه ی انسان در برابر خود، خانواده و جامعه. باید توجه داشت که اصولاً دین از مسئولیت انفکاک پذیر نیست و انسان متدین خواه ناخواه برای خود خانواده و اجتماع، احساس مسئولیت میکند چرا که بی تفاوتی با دینداری سازگار نیست.

چه دلالتهایی جهت تدوین مبانی اجتماعی برنامه ریزی آموزشی با توجه به آموزه های اجتماعی نهج البلاغه استنتاج میگردد؟

امروزه جهان به لحاظ تحولات و رخدادها هر لحظه در حال نوشدن است احتیاج روزافزون به کسب علم و قرار گرفتن در مسیر تکاملی و معنوی او را به ایجاد پایگاهی مطمئن در حیطة ی تعلیم و تربیت ناگزیر ساخته است. این ارتباط، مسئولیت سنگینی را بر عهده تعلیم و تربیت ما قرار داده است لذا با توجه به هر سؤال از سؤالات قبلی دلالت های تربیتی زیر جهت استفاده تعلیم و تربیت ما به دست آمده است. با توجه به سؤال یک دلالتهای زیر به دست آمده است:

مشورت

جامعه ای که ادعای پیاده کردن فرهنگ اسلام و نیز ادعای جامعیت و جهانی بودن مکتب خود را دارد، لازم است که در تمامی زمینه های اجتماعی سیاسی و اقتصادی مورد نیاز به خصوص در نظام تعلیم و تربیت چه در زمان حال و چه در زمان

آینده هم الگو و هم روش نظری و هم الگوی عملی ارائه دهند. یکی از مباحث مهم جوامع بشری چه در زمان حال و چه در زمان آینده بحث مشارکت عمومی در جهت توسعه و اعتلای جامعه می باشد که از منظر مشورت به آن پرداخته میشود در استحکام و ضرورت مشورت همین بس که خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر (ص) میفرماید به سبب رحمت خداست که تو با آنها این چنین خوش خوی و مهربان هستی اگر تندخو و سخت دل میبودی از گرد تو پراکنده میشدند پس بر آنها ببخشای و برایشان آموزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن که خدا توکل کنندگان را دوست دارد (آل عمران ۱۵۹). به همین دلیل است که حضرت علی میفرماید: «وَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهُمْ فِي عُقُولِهِمْ؛ هر کس خودرأی باشد به هلاکت میرسد و هر کس با دیگران مشورت کند در عقولهای آنان شریک است» (نهج البلاغه حکمت ۱۶۱، ص ۴۷۵)

حضرت در جایی دیگر می فرماید: «لَا غَنَى كَالْعَقْلِ وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ، وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ؛ هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون نادانی نیست هیچ ارثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست (نهج البلاغه حکمت ۵۴، ص ۴۵۳) با توجه به وسعت اطلاعات و پیچیدگی مسائل و نیز گستردگی اطلاعات یک مدیر قادر به شناخت همه ی مسائل و به دست آوردن همه ی اطلاعات لازم در مورد یک مسئله نیست و در نتیجه امروزه علی الخصوص مدیران آموزشی نمی توانند یک تصمیم منطقی و درستی در مورد آنها اتخاذ نمایند. لذا مشورت و نظرخواهی از دیگران به منظور استفاده از نظرات آنان مسئله ی عقلی است و عدم مشورت و استبداد به رأی یکی از بیماریهای مهلک مدیران آموزشی در تصمیم گیری است زیرا مدیران آموزشی هر قدر هم آگاهی زیادی داشته باشند و در زمینه کاری خود متخصص کاردان و با تجربه باشند باز هم نمیتواند به همه ی ابعاد و زوایای یک مسئله . پی ببرد و مسأله را تنها از دیدگاه خویش ارزیابی کند و چه بسا ابعادی از مسئله که در تصمیم گیری میتوانند نقش تعیین کننده ای داشته باشند، از نظر وی مخفی مانده باشد (الوانی، ۱۳۸۶).

همان گونه که اشاره کردیم ضرورت مشورت یک مسئله ی عقلی است و هر انسان عاقل و خردمندی این ضرورت را درک میکند و هیچ خردمندی خود را از آن بی نیاز نمیداند حضرت در این باره میفرماید: «هیچ انسان عاقل و خردمندی از مشاوره بی نیاز نیست (غرر الحکم، ح ۱۰۶۹۳)

این حدیث امام اهمیت مشورت در امر نظام آموزشی را بیشتر میکند و طبق این احادیث حضرت مشورت فواید زیادی دارد. به عنوان مثال زمانی که مدیران نظام آموزشی در مسائل و کارهای خود با دیگران مشورت کنند به یک راهکار مناسب برای مسائل خود دست مییابند که این کار باعث میشود تا تصمیم معقول و مناسبی اتخاذ شود و راه درستی انتخاب شود. حضرت در ضمن توصیه به مشاوره و استفاده از نقطه نظرات دیگران به این فایده ی مشورت چنین اشاره میکند نظرها و اندیشه ها را به یکدیگر بنزید تا درستی و حقیقت از آن متولد گردد» (غرر الحکم، ج ۷۵، ص ۱۰۵)

یکی دیگر از آثار مثبت مشورت از دیدگاه حضرت علی (ع) این است که مشورت و استفاده از نقطه نظرات دیگران به انسان کمک میکند تا خطاها و اشتباهات را بشناسند. آن حضرت میفرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَأِ؛ کسی که از نظرات و آراء گوناگون استقبال نماید موارد خطا و اشتباه را می شناسد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳، ص ۴۷۵)

موضوع مشورت در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است پیغمبر اسلام با این که قطع نظر از وحی اسمانی آن چنان فکر نیرومندی داشت که نیازی به مشاوره نداشت برای اینکه از یک سو مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه سازد تا آن را جزء برنامههای اساسی زندگی خود قرار دهند و از سوی دیگر نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد. در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرای قوانین الهی، داشت جلسه مشاوره تشکیل میداد. و مخصوصاً برای رأی افراد صاحب نظر ارزشی خاص قائل بود تا آنجا که گاهی از رأی خود برای احترام آنها، صرف نظر می نمود چنانکه نمونه ی آن را در جنگ احد مشاهده میکنیم در مجموع میتوان گفت یکی از عوامل موفقیت پیامبر همین امر بود.

کودکان و نوجوانان همانند بزرگترها دوست دارند در امور مربوط به خودشان با آنان مشورت شود و آنان نیز نظر بدهند. این کار خود موجب میشود آنان احساس شخصیت بیشتری کنند و برای نظر و رأی خود ارزش قائل باشند. والدین و مربیان آموزشی خوب است از این نکته غافل نباشند و حتی بدون درخواست کودک خود به این کار اقدام کنند و از این راه به فرزند خود شخصیت بدهند پس از مشورت و نظر خواهی نیز حتی الامکان نظر فرزند را عملی کنند و برای عقیده او احترام قائل باشند و اگر هم نظر ناصحیحی داشت با ملاحظت و مهربانی او را متعاقد سازند و او را متوجه خطا و اشتباه و خطا در فکر و آثاری که در انجام نظر او هست بکنند، تا او تجربه کافی را بدست آورد و در گفتارهای آینده خود تأمل بیشتر کند اما اگر بدون دلیل و آگاهی او را بکوبند آثار مختلفی از جمله حقارت در او تجلی خواهد کرد و طبیعی است این برخورد اثرات سوئی در آینده به دنبال خواهد داشت (محمدی، ۱۳۸۸)

همانگونه که دیدیم بسیاری از مسائل بسیار پیچیده اند در این گونه موارد هرگز نباید انسان به تنهایی تصمیم گیری کند بلکه عقل میگوید باید آرای دیگران را ضمیمه ی استدلالات آنها بررسی کند تا بتواند آنچه را به حقیقت نزدیک تر است انتخاب نماید. همان چیزی که قرآن مجید به آن دستور داده و میفرماید (زمر ۱۷ و ۱۸). بر این اساس حکما و متکلمان و فقهای ما همواره در مسائل نظری نخست به نقل قول میپردازند و در کنار هر قول دلیل طرفداران آن را ذکر می.کنند سپس از بررسی مجموع آنها ضعفها و قدرتها ظاهر میشود و آن قول را که از همه برتر میبینند، انتخاب میکنند. حتی گاه اقوال کسانی که اختلاف مذهبی با آن دارند نیز در برابر خود قرار داده و دلیلشان را بررسی میکنند (مکارم شیرازی ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۲۸۵).

تعاون

تعاون افراد در انجام امور اجتماعی به عنوان یک امر مهم اجتماعی اساس زندگی بشر و عامل اصلی در پیشرفتهای و پیروزیهای روزافزون است. به گونه ای که بدون آن هیچ جامعه ای شکل نخواهد گرفت و مسیر ترقی و کمال را طی نخواهد نمود. به همین دلیل تعاون در نظام تعلیم و تربیت ما یک امر ضروری است. انسان نیز به دلیل اینکه موجودی اجتماعی است نیاز دارد که بسیاری از کارها را به شکل جمعی و با مشارکت دیگران انجام دهد. همچنان که امام علی (ع) همه ی مردم را نیازمند یکدیگر دانسته و این نیاز را همیشگی و هم چون نیاز انسان به اعضا و جوارح خویش معرفی می.کند زیرا اساس زندگی اجتماعی بر مشارکت و تعاون پیریزی شده است و نظام بنیادین اسلام بسیاری از قوانین اجتماعی خود را بر تعاون استوار نموده است. بنابراین بجاست که در تعلیم و تربیت همواره این امر مهم را مد نظر قرار داده و در پرورش روحیه کودکان و نوجوانان از همان مراحل اولیه تربیت به مشارکت و همکاری در امور اجتماعی همت گماشته شود. در این راستا علاوه بر محیط خانه؛ که اولین جایگاه پرورش کودکان است مدرسه میتواند نقش مهمی ایفا کند و زمینه ی مناسبی برای شکل گرفتن روحیه تعاون و همکاری در فرد پدید آورد.

اسلام نیز به عنوان یک دین جامع که با فطرت انسان مطابقت دارد گوشه گیری را محکوم کرده و زندگی اجتماعی را برای پیروان خویش برگزیده سپس به آنان دستور داده است که در زندگی دسته جمعی همواره یکدیگر را در کار نیک و تقوا یاری نمایند (یا ایها الذین آمنوا لا تحلوا شعائر الله و لا الشهر الحرام و لا الهدی و لا القلائد و لا آمین البیت الحرام یتغون فضلا من ربهم و رضوانا و اذا حللتهم فاصطادوا و لا یجرمنکم شنان قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تعتدوا و تعاوتوا علی البر و التقوی و لا تعاوتوا علی الائم و العدون و اتقوا الله ان الله شدید العقاب؛ ای کسانی که ایمان آورده اید شعایر خدا و ماه حرام و قربانی را چه بدون قلاده و چه با قلاده حرمت مشکنید و آزار آنان را که به طلب روزی و خشنودی پروردگارشان آهنگ بیت الحرام کرده اند، روا مدارید. و چون از احرام به در آمدید صید کنید و دشمنی با قومی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند و ادارتان نسازد که از حد خویش تجاوز، کنید و در نیکوکاری و پرهیز همکاری کنید نه در گناه و تجاوز و از خدای بترسید که او به سختی عقوبت میکند(مائده ۲)

آنچه در آیه ی فوق در زمینه ی تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی را ر بر میگیرد طبق این اصل مسلمانان موظفاند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند ولی همکاری اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، در مطلقاً ممنوع است. هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد.

در روایات اسلامی درباره مسأله ی تعاون و همکاری تأکیدات زیادی شده است از پیغمبر اکرم(ص) نقل است که «هنگامی که روز قیامت بر پا شود منادی ندا در میدهد که کجا هستند ستمکاران و کجا هستند یاوران آنها و کسانی که خود را شبیه خود ساخته اند؟ حتی کسانی که برای آنها قلمی تراشیده اند همه ی آنها در جهنم جای دارند ص ۲۵۵

در حدیث دیگری از پیامبر(ص) آمده که به امام علی(ع) فرموده اند: «ده طایفه از این امت به خدا کافر شده اند که یکی از آنها کسی است که اسلحه به دشمنان اسلام که با آنها در حال جنگند بفروشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۷۱)

در واقع این آیه و روایات ضرورت همکاری و تعاون افراد جامعه را در کارهای نیک و از اجتناب از همکاری در کارهای گناه و دشمنی را مشخص میکند امام علی(ع) نیز در این باره میفرماید از حقوق حتمی خدا بر بندگان؛ نصیحت و خیرخواهی در حد توان و همکاری برای بر پایی حق در میان خودشان است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، بند ۱۳، ص ۳۱۵)

در همان خطبه نیز آمده است که پس بر شماست که یکدیگر را نصیحت کنید و نیکو همکاری نمایید. ایشان در جای دیگر درباره ی ضرورت تعاون با خویشاوندان میفرماید ای مردم انسان هر قدر که ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان خود بی نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند خویشاوندان انسان بزرگترین گروهی هستند که از او حمایت می کنند و اضطراب و ناراحتی او را میزدایند و در هنگام مصیبت ها نسبت به او، پر عاطفه تریت مردم میباشند نام نیکی که خدا از شخصی در میان مردم رواج دهد بهتر از میراثی است که دیگری بردارد. آگاه باشید مبدا از بستگان تهیدست خود رو بر گردانید و از آنان چیزی را دریغ دارید که نگاه داشتن مال دنیا زیادی نیورد و از بین رفتنش کمبودی ایجاد نکند آن کس که دست دهنده خود را از بستگانش باز دارد، تنها یک دست را از آنان گرفته اما دستهای فراوانی را از خویش دور کرده است و کسی که پر و بال محبت را بگستراند دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت نهج البلاغه، خطبه ۲۳ بند ۷ (۴۷) در واقع امیرالمؤمنین در این خطبه به رهروانش توصیه میکند که به ارتباط و همکاری بین خویشاوندان اهمیت بدهند و در هر حالی یکدیگر را دریابند و اگر کسی از اقوام آنها نیاز مالی، داشت بر طرف کنند در آن صورت یاری و حمایت خویشاوندان را بدست می آورد و دوستی خویشاوندانشان تداوم می یابد. حال با توجه به آیات و روایات فوق ضرورتهای همکاری اجتماعی و ضرورت از میان برداشتن موانع این همکاری مشخص میشود با این ملاحظه در آموزش افراد نیز باید توجه داشت از آنجا که دوره دانش آموزی دوره ی ورود به اجتماع است و در اجتماع نیز همکاری ضرورتی اجتناب ناپذیر است این دوران نیز میتواند زمینه ی مناسبی برای همکاری و تعاون در مدارس باشد لذا میتوان در مدارس و آموزشگاهها با تشکیل گروه هایی از دانش آموزان و تربیت شوندگان برای انجام فعالیتهای در زمینههای مختلف و تشویق افراد برای حضور در این گروهها و فعالیت به همراه سایر افراد میتواند در آموزش همکاری و تعاون به دانش آموزان و ترغیب ایشان به این امر مهم تأثیر خوبی داشته باشد این گروهها میتواند برای فعالیتهایی از قبیل درس، ورزش امور بهداشتی و امور فرهنگی

تشکیل شود. مسلماً در نظام آموزشی که روحیه، تعاون و همیاری به نهادینه گردد و به عنوان یک اصل مهم در مدارس و دانشگاه ها مورد تأکید قرار گیرد این افراد کمتر احساس رنج درد و گرفتاری می کنند چرا که بی تردید کسی که به رفع گرفتاریهای هموعان خود میپردازد، علاوه بر زندگی مسالمت آمیز و تقویت روحیه تعاون و همکاری کمتر شاهد فقر و گرفتاری فردی و اجتماعی خواهد بود.

بر این اساس تعاون باید به عنوان یک امر مهم مورد توجه قرار میگیرد. کاربرد این امر بدان معناست که آموزش و پرورش باید افراد را طوری تربیت نماید که افراد در زندگی خویش همواره از تکروری پرهیز کنند و تحقق زندگی مطلوب را در یاری رساندن و یاری گرفتن بدانند علامه در مورد ضرورت تعاون میگوید «مگر اجتماع میتواند چیزی به جز تعاون، افراد در آسان

ترشدن راه رسیدن به کمال بوده باشد؟ نه اجتماع همین است که افراد دست به دست هم دهند و طبیعتهای خود را به حد کمال و نهایت درجه از هدفی که برای آن خلق شده اند برسانند (علامه طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۷۰) این نکته نشان میدهد که کاربرد تعاون در تعلیم و تربیت نظام اسلامی مفهومی خاص دارد به این معنا که صرف تعاون مد نظر نیست بلکه مهم این است که تعاون بر سر چه چیزی رخ میدهد. به این ترتیب، به منظور استفاده از تعاون در نظام آموزشی و نظام تعلیم و تربیت، باید شرایطی را به وجود آورد که افراد با کمک هم به اعمال نیک پردازند و در این مسیر از یادگیری یکدیگر کوتاهی نکنند. روش یادگیری مشارکتی، اگر چه مستقیماً با اهداف آموزشی سر و کار دارد، به طور جانبی به تقویت بسیاری از مهارتهای اجتماعی، به ویژه همکاری کمک می‌کند. در روش یادگیری مشارکتی متریبان باید با یکدیگر و بدون نظر شخصی، به طور مثبت کار کنند تا علاوه بر یاری رساندن آموزش یکدیگر مهارتهایی نیز کسب نمایند. بدین ترتیب لازم است تکالیف بین همهی افراد تقسیم شود یعنی تقسیم کاری به وجود آید که کارآمدی و هم بستگی گروه را افزایش دهد. به این ترتیب هر یک از افراد دارای مسئولیتی است و نقش خاصی را در نیل به اهداف بر عهده دارد (جوینس بروس و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۸۱). به همین دلیل با آنکه این روش به منظور افزایش یادگیری به کار میرود و در تدریس علوم مختلف استفاده میشود دارای نتایج مفید برای نظام آموزشی است. برای اجرای این لازم است همه ی اعضای گروه تلاش کنند و مسئولیت خود را به بهترین وجه ممکن انجام دهد. به این ترتیب همکاری موجود در روش یادگیری مشارکتی، باعث افزایش احساسات مثبت نسبت به یکدیگر، کاهش جدایی و انزوا و ایجاد روابط و نگرشهای مثبت به یکدیگر می‌شود این روش توان افراد را برای کار ثمربخش با یکدیگر افزایش میدهد و از این طریق به آنها کمک میکند هر کاری را بهتر انجام دهند و از مهارتهای کلی اجتماعی بیشتری برخوردار شوند جوینس بروس) و دیگران ۱۳۸۵ ص (۲۷۵). به این ترتیب روش یادگیری مشارکتی یک روش آموزشی است که از افزایش مهارتهای کار با یکدیگر به تحقق اهداف تربیت اجتماعی نیز یاری میرسانند. با توجه به سؤال دو دلالت تربیتی زیر به دست آمده است:

رشد فردی و اجتماعی

در یک جامعه تعلیم و تربیت افراد به گونه ای است که هم از لحاظ فردی میتوانند رشد کنند و هم از لحاظ اجتماعی از طرفی همین تعلیم و تربیت در اسلام عمدی است نه غیر عمدی یعنی افراد با خواست خودخواهان این امر هستند که تعلیم ببینند لذا هدف از تعلیم و تربیت فرد، انسان رساندن او به کمالاتی است که که استعداد به دست آوردن آن را دارد انسانی کامل و سعادت‌مند انسانی حق طلب و عدالت جو و متکی بر خالق خویش و خلاصه انسانی آرمان خواه و دادگر مومن و با فضیلت آن گونه که واقعاً اشرف مخلوقات و در خور تکریم آفریدگار جهان باشد ادیب، ۱۳۶۲، ص (۱۰) آنچنان که در آیهی ۷ از سوره مبارکه اسراء آمده است: «به حقیقت که ما فرزندان آدم را عزت و کرامت عطا کردیم و در خشکی و در یا آنها را نیرومند ساختیم و از نعمت های پاکیزه بهره مندشان کردیم و بر بسیاری از آنان آفریدیم برتریشان دادیم برتری و فضیلتی عالی و شایسته». در عین حال در نظام توحیدی فرد و جمع در مسیر تکاملی قرار میگیرند.

پس هدف تعلیم و تربیت پرورش شخصیتی است که هم به صورت فردی رشد کند و هم در به صورت اجتماعی شخصیتی متعالی داشته باشد اما باید اذعان داشت که رشد فرهنگی در جامعه مرهون رشد افراد آن جامعه است و توسعه فرهنگ امکان پذیر نخواهد بود مگر آن که جامعه از طریق برنامه های آموزشی تمام استعدادها تواناییهای خود را برای اهداف جامعه رشد دهند. امروزه رشد فردی، علاوه بر مطالعه ی یادگیرنده شامل بررسی کامل زمینه و سابق وی نیز میگردد. پس دست اندرکاران تعلیم و تربیت باید به گونه ای برنامه ریزی کنند که احتمالاً شکافها و نارساییهایی که در رشد یادگیرنده پدید آمده جبران کرده و امکان رشد و کمال او را فراهم آورند. هم چنین نظام آموزشی ضمن اجتماعی کردن، افراد به هماهنگ سازی آنان با اخلاق اجتماعی، از طریق انتقال ارزشها هنجارها و نگرشهای اجتماعی مطلوب و مناسب توجه خاص دارد اجتماعی شدن به

معنای همسازی و همنوایی فرد با ارزشها هنجارها و نگرشهای گروهی و اجتماعی است یا به مفهوم دیگر اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه ی آن فرد دانش و مهارتهای لازم اجتماعی را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی کسب میکنند. از دیدگاه فرد اجتماعی شدن فراگردی است که در آن فرد به کسب هویت خویش نائل میشود و با پذیرش ارزشها، هنجارها آرمانها و شیوههای، زندگی تحت شرایط مطلوب قادر به تحقق استعدادهای بالقوه ی خود میشود. جریان اجتماعی شدن یا جامعه پذیری از این لحاظ اهمیت دارد که در آن شخصیت فرد تکوین مییابد و فرهنگ جامعه با ویژگیهای خاص خود بر آن تأثیر می گذارد (رشیدی، ص ۶).

دلالتهای تربیتی زیر به دست آمده است:

ایمان و تعهد

توجه به تعهد در جامعه اسلامی و به خصوص نظام تعلیم و تربیت از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا وقتی افراد به تعهدات خود پایبند باشند به حقوق یکدیگر تجاوز نمی کنند به این ترتیب کاربرد این امر مهم در تعلیم و تربیت به این معناست که افراد بیاموزند در جامعه یا خانواده یا مدرسه و... به رعایت حقوق دیگران متعهد باشد. در این مورد برای روش تجاوز به حقوق دیگران مجازات و برای رعایت حقوق و ترغیب پایبندی به آن پاداش در نظر گرفته می شود این پاداش میتواند فرد را نسبت به حقوق دیگران متعهد و خلاف آن را از نظرش دور سازد علامه طباطبایی، ج ۱۱، ۱۳۸ ص (۴۳۹) چنانکه تنبیه و مجازات احتمال تکرار نقض حقوق را افزایش میدهد و به این ترتیب روش تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت مکمل یکدیگرند.

البته تشویق و تنبیه هم نباید در همه و در هر شرایطی انجام شود چرا که ممکن است کارایی لازم را نداشته باشد. در اجرای روش تشویق و تنبیه، رعایت چند نکته ضروری است. اولاً شدت مجازات در تنبیه به عوامل گوناگون هم چون نفس عمل، فاعل آن، فرمانی که از فرمانش تخلف شده و میزان ضرر وارد شده به جامعه اسلامی بستگی دارد. دوم آنکه لازم است بین عمل و مجازات سنخیت وجود داشته باشد یعنی میزان مجازات به اندازه ی ضرری باشد که فرد به جامعه وارد ساخته است. در نظام اسلامی، مسئولیت به اشخاصی واگذار میشود که که نسبت به دین اسلام اعتقاد عمیق و تعهد نسبت به اجرای دستورات اسلام داشته باشد که در روایات و احادیث از آنان به عنوان عابدین یا عبادت کنندگان و مطهرین پاکان یاد شده است و در جای جای قرآن کریم به این گونه بندگان اهمیت داده شده است و آنان را به لحاظ داشتن صفات والا برتر از دیگران شمرده اند.

از دیدگاه قرآن کریم سنت و مشیت الهی بر این قرار گرفته است که حکومت و مدیریت زمین به دست بندگان صالح خداوند قرار خواهد گرفت «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» و ما در زبور پس از تورات نوشته ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد» (انبیاء ۱۰۵)

امام علی (ع) نخستین شخصی است که به رسول خدا و دین حیات بخش اسلام ایمان آورد. مقریزی پیش از آنکه هشت نفر سابقین به اسلام را نام برده است علی (ع) را نان میبرد و و میگوید باید علی (ع) را از حساب سبقت به اسلام خارج دانست چون علی هرگز مشرک نبود تا روزی خداشناس شود و تاریخی برای موحد شدن او پیدا کنیم، او پیوسته موحد و خداشناس بود مانند رسول خدا (آیتی، ۱۳۶۸، ص ۱۷). لذا امام علی (ع) با ایمان ترین و با تعهدترین افراد نسبت به اسلام بوده است و حتی سکوت ۲۵ ساله اش نیز برای بقای دین و حفظ ایمان و عقاید مسلمانان بوده است.

امام علی (ع) در همان روزهای نخست خلافت خود با اعلام برکناری استانداران جاه طلب و کم ایمان و بی تعهد ملاک برتری و مدیریت را ایمان واقعی و تعهد نسبت به مبانی دین اسلام قرار داد و کسانی مانند عثمان بن حنیف، عبیدالله بن عباس، مالک اشتر را بر افرادی که به دین اسلام هیچ تعهد و احساس مسئولیتی ندارند همچون معاویه، و زبیر ترجیح داد. لذا امام علی (ع) در دروران خلافت خود مدیرانی را برای اداره ی جامعه برگزید که شایستگی و تعهد و مسئولیت لازم را برای حل مشکلات

جامعه داشته باشند به عنوان نمونه در نامه ای که مالک اشتر را به عنوان مردم مصر معرفی نموده است در بیان شایستگی او میگوید پس از حمد الهی، یکی از بندگان خدا را به سوی شما اعزام داشتم او به هنگام ترس نمی خوابد و در موقع حمله دشمن، عقب گرد نمی ماند. در برابر ستمگران از آتش شعله ور سخت است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

حضرت علی (ع) در سپردن پستهای کلیدی جامعه به شایستگی و لیاقت و تعهد و مسئولیت افراد توجه خاصی داشتند و از دادن مسئولیت به افراد ناشایست خودداری می کردند به عنوان نمونه وقتی طلحه و زبیر پیشنهاد استانداری کوفه و بصره را به حضرت کردند وی خطاب به آنها اظهار داشت من درخواست های شما را نمی پذیرم برای این که هیچ یک از شما برای حکومت صالح نیستید ژانگر، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸) تعهد در نظام تعلیم و تربیت و نظام آموزشی بسیار مهم است. معلمان آموزش و پرورش، اگر خودشان یک پرورش نداشته باشند و یک تعلیم صحیح نمیتوانند جوانان را تعلیم و پرورش دهند.

لذا میتوان چنین گفت که داشتن صلاحیت و مسئول پذیر بودن و شایستگی به عنوان یک معیار اساسی جهت انتخاب افراد در ادارات به خصوص در حوزه تعلیم و تربیت و نظام آموزشی در همه سطوح و رده های مسئولیتی مطرح است. چیزی که حضرت در عمل به آن سخت پایبند بوده و حاضر نشد حتی برای مدت کوتاهی با واگذاری مسئولیتهای حساس و کلیدی به اشخاص فاسد و جاه طلب موافقت کند و این گونه این مطلب است که در مکتب امام علی (ع) هیچ گاه هدف وسیله را توجیه نمیکند و برای رسیدن به اهداف عالی و نیک باید از وسیله های نیکو و شایسته و متعهد بهره مند گردید.

مسئولیت‌های عالمان دینی

بی تردید نقش عالم در جامعه کلیدی و محوری است زیرا او با دانشی که اندوخته است هم از اعتبار اجتماعی برخوردار است و هم از توانمندیهای ویژه بهره مند است. از اینرو او افزون بر مسئولیتهای یک شهروند که همگان دارند مسئولیتهای دیگری نیز دارد ضرورت نشر علم و مبارزه جدی با جهل و نادانی از جمله ی این مسئولیت هاست امام علی (ع) در رسالت این عالمان فرمود: خداوند از مردم نادان پیمان نگرفت که بیاموزند تا مگر از دانایان عهد گرفت که به دیگران تعلیم دهند نهج البلاغه حکمت ۴۷۰، ص ۵۳۱).

از دیگر مسئولیتهای دانشمندان مبارزه جدی و بیامان با بدعتها و بدعت گذاران است که به آن دامن میزنند. پیامبر اکرم میفرماید: «هر گاه در میان امت من بدعتها آشکار گردد، بر عالم است که علمش را آشکار سازد و هر کس چنین نکند پس لعنت خدا بر او باد حر عاملی، ج ۱۱، ص ۵۱۱).

لذا با توجه به این احادیث معلمی رسالتی است سنگین که بر دوش استادانی فرهیخته سنگینی میکند. هر کسی که از تخصص و توان لازم برخوردار باشد هم این مسئولیت سنگین را بپذیرد و هم پس از پذیرش آن به خوبی از عهده آن برآید پیامبر اکرم (ع) در هشدار به فرار از مسئولیت معلمی میفرماید: هر مردی که خدا به او دانشی بدهد و او با آن که میداند از آن دریغ ورزد در قیامت در حالی خداوند را دیدار میکند که نگاهی از آتش دهان دارد شیخ طوسی ۱۴۱۷ ف ص ۳۷۷)

هر کس از شایستگی های لازم برای استادی برخوردار باشد افزون بر پذیرش این مسئولیت باید پس از پذیرش این مسئولیت در انجام آن بکوشد و از هیچ کوششی دریغ نرزد این فراز از رساله حقوق امام سجاد (ع) دلیلی بر این مطلب است که فرمود حق شاگرد تو این است که بدانی خداوند بزرگ به واسطه دانشی که به تو داده و به آن خاطر که خزانهای خود را بر تو گشوده است تو را سرپرست فراگیرانت قرار داده است. اگر مردم را خوب آموزش دهی و با آنان بد رفتار نکنی و از تعلیماتش به ستوه نیایی خداوند از فضل خود بر دانش تو می افزاید و اگر دانش خود را از آنان دریغ داری یا در هنگام تعلیم بد رفتار کنی بر خداوند سزاوار است که علم و شکوه آن را از تو بگیرد و جایگاه تو را از دل مردم بیرون آورد» (غفاری، ۱۳۸۷، ص ۲۶۸).

مسئولیت‌های استادان در برابر شاگردان یک سویه نیست بلکه شاگردان نیز در برابر آن نیز مسئولیتهایی دارند که لازم است از عهده ی آن بر آیند حق استاد تو این است که به او احترام گذاری به سخنانش خوب گوش فرا دهی صورتت به سوی او باشد

صدایت را بر او بلند نکنی هر گاه کسی از او سؤال پرسد تو جواب ندهی، در محضرش با دیگران سخن نگوئی در حضور او به غیبت کسی گرفتار، نشوی اگر نزد تو از او بدگویی شود از او دفاع کنی و ... (حرانی، ص ۲۶۶، ۱۳۷۳).

مسئول بودن انسان متوجه این امر است که برنامه ی آموزشی باید حاوی مسائل مربوط به مسئولیتها و وظایف انسان در قبال خود، خانواده اجتماع محلی و اسلامی و جامعه ی انسانی بوده هم چنین مسئولیتهای فرد در برابر موجودات طبیعت را به او بشناساند و بالاخره مسئولیتها و تکالیف او را در پیشگاه خداوند متعال برای او تبیین نموده صفات و مهارتهای لازم را برای انجام این تکالیف در انسان پرورش دهد. علاوه بر این موارد گفته شده هدفها برنامه ها دوره ها و مراحل تعلیم و تربیت نیز باید با شرایط و مراحل تکلیف انسانها متناسب و هماهنگ بوده و آنان را در هر مرحله از تحصیل برای بقای وظایف و مسئولیتهای خویش آماده نماید. باید توجه داشت که مبحث مسئولیت در قبال امکانات معتبر است. لذا فرد مکلف . و مسئول شرایطی دارد، و نیازمند به امکاناتی است و پس از احراز شرایط مسئولیت محقق خواهد شد و ارزشیابی میسر است. بدین ترتیب ضرورت دارد نظام آموزش و پرورش محتوا و روشهای تعلیم و تربیت متناسب با نیازهای جامعه ی اسلامی و امکانات محیطی از یک طرف و هماهنگ با استعدادها و امکانات وجودی افراد در هر مرحله ی سنی از طرف دیگر برنامه ریزی گردد تا امکانات و شرایط لازم را برای پرورش و شکوفایی استعدادهای انسانها در هر مرحله از تحصیل فراهم آورده و آنان بتوانند مطابق با تواناییهای خویش به ابقاء وظایف و تکالیف خویش بپردازد فلاح نژاد (۱۳۸۰، ص ۱۱۷).

مسئولیت سنگین مریبان در تربیت افراد

مسئولیت پذیری از صفات مهمی است که در مقابل خودخواهی قرار گرفته و سرچشمه ی بسیاری از کمالات انسانی است. روحیه ی مسئولیت پذیری انسان را از حصار زندگی فردی خارج میکند و بی تفاوتی در برابر جامعه را درهم شکسته و پیوندی عمیق بین سرنوشت و سعادت خود و سعادت دیگران برقرار میکند. مسئولیت پذیری پیوندی الهی است که علما و دانشمندان وظیفه سنگین نجات مظلومان و محرومان را بر عهده دارند. اهتمام به امور مسلمین و مسئولیت پذیری در برابر جامعه از جمله فضائل و کمالاتی است که در تعالیم اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است پیامبر گرامی اسلام در این باره میفرماید کسی «که صبح کند و اهتمامی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست (سادات، ۱۳۶۸، ص ۲۳۶) و در جایی دیگر در مورد مسئولیت پذیری افراد مسلمان می فرماید «کسی که فریاد یاری و کمک ای مسلمانان را بشنود و اجابت نکند، مسلمان نیست» (سادات، ۱۳۶۸، ص ۲۴۸)

امام علی (ع) در مورد پذیرش خلافت مسلمانان نهایت مسئولیت پذیری و اهتمام خود را به امور مسلمین چنین توضیح میدهد: «سوگند به خدایی که دانه را میشکافد و جانداران را میآفریند اگر وضع حاضر نبود و اگر آماده شدند یاور و فشار جمعیت که تکلیف را تعیین میکند نبود و اگر خدا از دانشمندان پیمان نگرفته نبود که در برابر عوارض شمشیرگی ستمگران و گرسنگی بیچارگان نباید آرام بگیرند من افسار مرکب مرکب خلافت را روی شانه ام می انداختم و کنار میرفتم (نهج البلاغه، خطبه ۳، بند ۱۶، ص ۳۱ و در ادامه در مورد مسئولیت پذیری میفرماید: «خدا در هیچ عصری مردم را بدون، پیامبر کتاب آسمانی رهبر مورد نیاز و راه راست نگذاشته است (نهج البلاغه، خطبه ۳، ۴)). امام در خصوص مسئولیت حاکمان و مدیران جامعه ی چنین میفرماید مدیریت و حکمروایی برای تو طعمه نیست ولی مسئولیت در گردن تو امانت است و کسی که از تو بالاتر است از تو خواسته که نگاهبان باشی و وظیفه نداری که در کنار مردم به میل و خواسته ی شخصی خود عمل کنی و یا بدون ملاک معتبر و فرمان به از بزرگی دست بزنی تقوی، دامغانی، ۱۳۶۸، ص ۳۷)

لذا باید گفت که از دیدگاه حضرت علی (ع) مسئولیت پذیری یکی از ویژگیهای مهمی است که که مدیران و مریبان جامعه ی اسلامی باید از آن برخوردار باشند حضرت هدف خود را از پذیرش مسئولیت در جامعه ی اسلامی مسئولیتی میداند که خدا بر عهده ی علما و دانشمندان نهاده است که بر امر بر پایی عدالت باید تلاش کنند و این مسئولیت سنگین الهی را در راه خدمت به محرومان جامعه ی اسلامی و جلوگیری از ستم متجاوزان جان و مال مردم به کار گیرند.

لذا مربیان و مدیران در جامعه اسلامی ما باید با الگو گرفتن از فرمایشات امام علی(ع) باید به مسئولیت خود در مورد حقوق الهی خود آنچه در توان دارند به کار گیرند. برای تقویت روحیه ی انتقادی و تفکر پویا تربیت شهروندان فعال و سرشار از احساس مسئولیت و آمادگی مشارکت در گردش امور اجتماعی لازم است که در تألیف کتب درسی دقت شود که مطالب از دیدگاههای گوناگون مطرح شوند و آنها را با پیچیدگی جامعه ای که قرار است در آن نقش شهروندی ایفا کنند بیشتر آشنا کنند.

منابع

- دلشاد تهرانی مصطفی (۱۳۷۹) منظر مهر مبانی تربیت در نهج البلاغه، تهران، بی تا
- دلشاد تهرانی (۱۳۷۹) ماه مهرپرور تهران چاپ اول انتشارات خانه اندیشه جوان
- دلشاد تهرانی مصطفی (۱۳۷۸) ماه مهرپرور تربیت در نهج البلاغه، تهران، خانه اندیشه جوان
- دلشاد تهرانی مصطفی (۱۳۷۷) دولت، آفتاب، تهران خانه ی اندیشه جوان
- دلشاد تهرانی مصطفی (۱۳۷۲) سیره ی، نبوی، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- راسخ، شاپور (۱۳۵۰) تعلیم و تربیت در جهان امروز از نظر جامعه شناسی اقتصاد و برنامه ریزی، تهران، انتشارات امیر کبیر رئیس پور، علی و فرقانی محمد (۱۳۹۱) میزان اثربخشی مدرسه بر توسعه ی اخلاقی دانش آموزان، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی مدیریت نوآوری و تولید، ملی، قم، انتشارات جباری
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۵) دانشنامه ی امام علی(ع)، ج ۷، قم، موسسه انتشارات
- روحانی حسن (۱۳۸۸) فراگرد جامعه پذیری در نظام رسمی مجله، راهبرد شماره ۴۲، صص ۱۲۴ - ۱۱۳ زهادت، عبدالحمید (۱۳۹۰) تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، قم، بوستان کتاب
- ژایگر رودلف (۱۳۷۶) خداوند علم و شمشیر ترجمه ی ذبیح الله، منصور چاپ چهارم، انتشارات مسجد
- سادات، محمد علی (۱۳۶۸)، اخلاق، اسلامی تهران چاپ ششم، انتشارات سمت
- سبحانی نژاد، مهدی و منافی، شرف آباد، کاظم (۱۳۹۰) جامعه شناسی آموزش و پرورش (مبانی، رویکردها و سیر جامعه جامع نظریه ها و حوزههای شاخص، تهران، انتشارات یسطرون
- سبحانی نژاد، مهدی و منافی شرف آباد کاظم (۱۳۹۰) جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات یسطرون سجادی، مهدی (۱۳۷۹)، نقش نظام آموزشی در بهبود روند توسعه ی سیاسی و تحقق آزادی، نشریه آفتاب یزد، شماره ۱۴
- سلطانی ایرج (۱۳۷۷) تعامل نیازسنجی و اثر بخشی در سازمانهای یادگیرنده، تهران، ارگان دانش
- سیف علی اکبر (۱۳۷۱) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- صدرالمتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۵)، شواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه ترجمه جواد مصلح، تهران، چاپ چهارم، انتشارات سروش
- صدرالمتألهین شیرازی محمد ابراهیم (۱۳۸۳) اسفار اربعه، ج ۸، ترجمه ی محمد خواجه، تهران، انتشارات موالی صدر المتألهین شیرازی محمد بن ابراهیم (۱۳۷۱) عرفان و عارف، نمایان ترجمه ی محسن پایدار، تهران، انتشارات الزهرا
- صدر، سید موسی (۱۳۵۴) اسلام و فرهنگ قرن بیستم ترجمه ی حجت، کرمانی تهران چاپ اول، انتشارات کانون نشر و پژوهشهای اسلامی
- صدیق سروستانی، رحمت الله و رجبی، محمود و دیگران(۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه شناسی اسلامی، تهران، انتشارات سمت
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۰)، خلاصه تعالیم اسلام، قم، چاپ دوم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه
- عبداللهی، حسین (۱۳۸۹)، برنامه ریزی توسعه ی آموزش و پرورش تهران پژوهشکده مطالعات آموزش و پرورش